

مروری بر کتابی نوجوانانه از نویسنده «دختر شینا»

پذیرایی با «مرغ شل»



مرغ شل

نویسنده: بهناز ضرابی زاده
تصویرگر: رضامکتبی
انتشارات: سوره مهر
تعداد صفحات: ۷۵
قیمت در سال ۹۷: ۴۹۰۰ تومان



از خواندنش ذوق می‌کنند؛ خصوصاً فصل‌های پایانی کتاب. تصویرهای کتاب، قطعاً شما را بیشتر با متن کتاب همراه می‌کند؛ تصویرهایی که شاید هنگام ورق زدن اولیه کتاب، سفید و گلبهی بودنشان در ذوقتان برزند ولی وقتی همراه قصه شوید، متوجه می‌شوید تصویرها چه دقیق و ریز داستان را برایتان مجسم می‌کند و حتی گاهی همین تصاویر شما را به خنده می‌اندازد و باعث می‌شود تصویر کامل‌تری از شخصیت و فضای داستان در ذهنتان به وجود آید. آن تصاویر را رضا مکتبی برای این داستان کشیده است.

درست است که مرغ شل برای مخاطب نوجوان و گروه سنی «ج» و «د» نوشته شده است، اما نوع روایت و داستان آن و طنز اجتماعی که در کتاب جاری است، باعث می‌شود مخاطب بزرگسال نیز از خواندن آن لذت ببرد. پس پیشنهاد می‌کنیم کتاب را به والدینتان هم بدهید.

شاید برای والدینتان جالب باشد که بدانند نویسنده کتاب‌های «دختر شینا» و «گلستان یازدهم» که کتاب‌های بسیار معروفی در حوزه ادبیات دفاع مقدس هستند و بارها از این کتاب‌ها تقدیر شده، برای نوجوانان نیز کتاب می‌نویسد و مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. □



درست است که مرغ شل برای مخاطب نوجوان و گروه سنی «ج» و «د» نوشته شده است، اما نوع روایت و داستان آن و طنز اجتماعی که در کتاب جاری است، باعث می‌شود مخاطب بزرگسال نیز از خواندن آن لذت ببرد. پس پیشنهاد می‌کنیم کتاب را به والدینتان هم بدهید

حالش می‌سوزد، پدر می‌خواهد مرغ را بکشد ولی مامان زری نمی‌گذارد:

«احسان، نفس زنان برمی‌گردد. چاقوی دسته قهوه‌ای را، همان که مامان همیشه گوشت‌ها را با آن خرد می‌کند، می‌دهد به بابا. مامان فریاد می‌کشد: حبیب لازم نکرده مرغ را سر بری. هر وقت مامان با بابا قهر می‌کند، هرچه می‌خواهد به او بگوید به من می‌گوید. می‌دانم نباید چیزی بگویم. مامان جوش آورد: حبیب اقلأ برو يك لیوان آب برای این زبان بسته بیاور» و خبر ندارد که مرغ لاغرشان، سالم هم نیست و پایش شل است. به خواسته مامان زری مرغ کشته نمی‌شود ولی همچنان بر حرف خودش می‌ایستد که تا وقتی قربانی نشود و خونی ریخته نشود، سوار ماشین نمی‌شود... حالا بابا قربان که پول زیادی ندارد، با خواسته زرش چه کند؟

«پوست خیار را جلوش می‌گیرد و صدایش را نازک می‌کند: «بی... یو... بی‌یو...» مرغ دو سه قدم جلو می‌آید. پای راستش را نمی‌تواند روی زمین بگذارد. آن را بین زمین و آسمان نگه می‌دارد. مرغ می‌لنگد. نفس حجت بالا نمی‌آید. می‌گوید: «اهو... شل است. می‌لنگد! ببین مرغ‌ه چلاق است»

داستان مرغ شل در نه فصل کوتاه نوشته شده است و در هر فصل به یکسری از ماجراهای خانواده آقا قربان می‌پردازد. لحن کتاب بسیار صمیمی و خودمانی است و دعوایها و صحبت‌هایی که می‌شود برای همه ما آشناست و در خانه خودمان و با رفقایمان همین صحبت‌ها و کل‌کل‌ها را داشته‌ایم. لحن طنزی که کتاب دارد، آن را خواندنی ترهم کرده است، مخصوصاً شیطنتهای احسان و حجت و دیالوگ‌هایی که بین آنها ردوبدل می‌شود، باعث می‌شود هر چندلحظه، لبخندی بر لب خواننده بنشیند.

به خاطر وجود سه شخصیت پسر شیطان در این کتاب، قطعاً پسرهای نوجوان از خواندن این کتاب لذت می‌برند، ولی دخترهای نوجوان نیز همان قدر با کتاب اخت می‌گیرند و

احتمالاً در خانه شما هم این اتفاق

افتاده است که پدر و مادرتان درباره موضوعی بگویم می‌کنند و هر کدامشان سعی می‌کنند دیگری را قانع کنند و به اصطلاح حرف خودشان را به

کرسی بنشانند. موضوع اصلی کتاب «مرغ شل» هم از همین بگومگوهای مامان باباها شروع می‌شود؛ البته نه بگومگوی اعصاب خردکن و بی‌نتیجه، یک مجادله جدی و در عین حال بامزه که با کمک بچه‌ها حل می‌شود.

داستان کتاب در يك خانواده پنج نفره در شهر همدان می‌گذرد؛ خانواده بابا قربان و مامان زری و سه پسر شیطان و بلایشان حبیب، احسان و حجت. داستان از زبان حبیب پسر بزرگ خانواده تعریف می‌شود و از آنجایی شروع می‌شود که بابا قربان با کلی قرض يك وانت دست دوم می‌خرد و مامان زری حاضر نمی‌شود سوار ماشین بشود تا وقتی که بابا قربان، برای ماشین قربانی بدهد.

«نه نمی‌شود. همان که گفتم. اول باید يك خونی زمین بریزد، بعد راهش بیندازی توی خیابان‌ها. شگون ندارد. من که سوار نمی‌شوم. بچه‌ها هم حق ندارند سوار شوند.» وقتی مامان بگوید شگون ندارد، یعنی تمام، یعنی فاتحه، قدغن، یعنی تا اطلاع ثانوی ماشین بی ماشین. بابا چرب‌زبانی می‌کند: «زری خانم، حالا این دفعه رو بی خیال شو. بابا بی‌خی می‌... این ابوقراضه که قریونی نمی‌خواد. خودت که میدونی با چه بدبختی آن را خریدم. تمام دار و ندارم رو دادم. به آدم و عالم بدهکارم. خودم را تکانه‌ام به خدا. جان من بدخلقی نکن.»

ماجرا با دیالوگ‌های کل کل بین مادر و پدر و شیطنتهای پسرهای ادامه پیدا می‌کند تا جایی که حجت به بابا قربان پیشنهاد می‌کند به جای گوسفند که گران است، يك خروس قربانی کنند. پدر برای خرید خروس می‌رود، ولی با يك مرغ برمی‌گردد! آن هم يك مرغ لاغر مردنی که مامان زری دلش به

سیده فاطمه مطهری
روزنامه‌نگار